

Conflicting interests of Iran and Türkiye in the South Caucasus from a critical geopolitical perspective(2001-2022).

Leila Shirali Ph.D. student of International Relations, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran E-mail: shirali.law@gmail.com

Farzad Navidinia *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Andimshek branch, Andimshek, Iran E-mail: farzad.navid@gmail.com

Shiva Jalalpoor Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran E-mail: jalalpoor@iauhvaz.ac.ir

Feredoun Akbarzadeh Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran E-mail: drferedounakbarzadeh2@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Critical Geopolitics,
South Caucasus,
Conflicting Interests,
Regional Powers

ABSTRACT

The main question is, how is the conflict between Iran and Türkiye in the South Caucasus explained from a critical geopolitical point of view? The main hypothesis is that Iran and Türkiye are trying to realize themselves in power-oriented, spatial and identity structures, away from traditional geopolitics. The competing hypothesis is that the conflicts between the two countries in the South Caucasus are power-oriented in nature and are not influenced by geographical space and identity contexts. The findings show that there are two countries in the South Caucasus in the minds of the officials of the two countries in a cultural, civilizational, historical, geopolitical, communicative and balancing role. On the one hand, this is a conflict in the competition for regional supremacy. Iran considers Azeris living in Iran and the Caucasus to have the ideological potential and time to expand Ankara's influence in the region. Türkiye also expands the space of Shia in the Caucasus, especially Azerbaijan, to expand the space of Iran. Türkiye also considers Islamic-Shiite religious teachings to be an inseparable part of Iran's politics. While Iran perceives the expansionist role of the former Ottoman Empire, which Turkey considers to be its representative, and sees identityism as a threat in the convergence of Turkic and Azeri speakers.

Cite this Article: Shirali, L. , Navidinia, F. , Jalalpoor, S. , & Akbarzadeh, F. (2024). Conflicting interests of Iran and Türkiye in the South Caucasus from a critical geopolitical perspective(2001-2022).. *International Relations Researches*, 14(3), 51-72. doi: 10.22034/irr.2024.480720.2607



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.480720.2607



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی (۲۰۲۲-۲۰۰۱).

لیلا شیرعلی دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
رایانامه: shirali.law@gmail.com

فرزاد نویدی نیا نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، اندیمشک، ایران
رایانامه: farzad.navid@gmail.com

شیوا جلال پور استادیار گروه علوم سیاسی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
رایانامه: jalalpoor@iauhavz.ac.ir

فریدون اکبرزاده استادیار گروه علوم سیاسی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
رایانامه: drferedounakbarzadeh2@gmail.com

چکیده	درباره مقاله
سؤال اصلی این مقاله این است که منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی چگونه تبیین می‌شود؟ فرضیه اصلی این است که ایران و ترکیه سعی می‌کنند با فاصله از ژئوپلیتیک سنتی، منافع خود را در سازه‌های قدرت‌محور، فضایی و هویتی محقق کنند. فرضیه رقیب این است که منافع متعارض دو کشور در قفقاز جنوبی از ماهیت قدرت‌محور برخوردارند و از فضاهای جغرافیایی و زمینه‌های هویتی تأثیر نمی‌پذیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که منافع دو کشور در قفقاز جنوبی ریشه در ذهنیت مقامات دو کشور در نقش فرهنگی، تمدنی، تاریخی، ژئوپلیتیکی، اتصال دهنده و موازنه‌ساز دارد. این منافع متعارض از یک طرف ریشه در رقابت در تصاحب جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای دارد. ایران آذری‌های ساکن ایران و قفقاز را واجد پتانسیل لیدولوژی و زمان برای گسترش نفوذ آنکارا در منطقه می‌پندارد. ترکیه نیز گسترش فضایی شیعی در قفقاز به ویژه آذربایجان را، گسترش فضایی ایران محسوب می‌کند. ترکیه همچنین آموزه‌های دینی اسلامی - شیعی را جزء جدانشدنی سیاست ایران می‌داند؛ در حالی که ایران با برداشت از نقش گسترش طلبی امپراتوری عثمانی سابق که ترکیه خود را نماینده آن می‌داند و هویت‌گرایی آن در همگرایی ترک‌زبانان و آذری‌زبانان را به عنوان تهدید می‌نگرد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها رجوع به منابع کتابخانه‌ای است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی
	کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک انتقادی، قفقاز جنوبی، منافع متعارض، قدرت‌های منطقه‌ای
	تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۷

استناد به این مقاله: شیرعلی، لیلا، نویدی نیا، فرزاد، جلال پور، شیوا، & اکبرزاده، فریدون. (۱۴۰۳). منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی (۲۰۲۲-۲۰۰۱). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳)، ۵۱-۷. doi: 10.22034/irr.2024.480720.2607.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل



ژئوپلیتیک انتقادی دریچه‌ای است که می‌توان از آن به منافع متعارض دولت‌ها در مناطق مختلف نگریست. در این چارچوب، قفقاز جنوبی به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی است که منافع قدرت‌های منطقه‌ای و پیرامونی در آن به شکل متعارض شکل گرفته است. منطقه قفقاز جنوبی متشکل از آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به منزله پلی طبیعی میان اروپا و آسیا است. غرب آسیا در جنوب و همجواری با کشورهای اروپای غربی و روسیه از غرب و شمال، قفقاز را به چهارراه شمال-جنوب و شرق-غرب در اوراسیا و قاره آسیا تبدیل کرده است. ایران و ترکیه دو کشور همسایه منطقه قفقاز هستند که هر یک منافع خاص خود را در این منطقه دارند. ایران در این منطقه منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی را دنبال می‌کند. ایران در تنش‌ها و منازعات موجود در این منطقه اغلب در پی ایفای نقش میانجی ظاهر شده است. در عین حال این کشور بعد از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ م از اقدامات آذربایجان برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده خود از دست ارمنستان، حمایت کرد. مرز ایران و ارمنستان کریدور زمینی مهمی برای ایران برای اتصال به اروپا است. از سوی دیگر ترکیه نیز منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود را در این منطقه دنبال می‌کند. مقامات ترک این منطقه را به عنوان یکی از حوزه‌های امپراتوری عثمانی سابق و حوزه نفوذ خود می‌بینند. جمهوری آذربایجان مهم‌ترین متحد ترکیه در قفقاز جنوبی است و آنکارا در پی همکاری راهبردی با این کشور در چارچوب منافع ژئوپلیتیک، اقتصادی و اشتراکات قومی است. هدف اصلی در این تحقیق بررسی منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی است و این سؤال را طرح کرد که منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی در سال‌های چگونه قابل تحلیل است؟ همچنین این فرضیه را مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد که برای تحلیل منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی می‌بایست این منافع متعارض را با عبور از ژئوپلیتیک سنتی در قالب رقابت قدرت‌ها برای حوزه نفوذ، در چارچوب استعاره‌های قدرت، فضا و هویت به عنوان عناصر اصلی بررسی نمود. این موضوع از چند منظر دارای اهمیت است. نخست این که منطقه قفقاز جنوبی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی است که به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه، وجود منابع انرژی و بحران‌های امنیتی در طول دو دهه گذشته از اهمیت ذاتی برخوردار است. این منطقه همچنین سرشار از بحران‌های امنیتی است که منافع کشورهای منطقه را درگیر تعارض نموده است. اگر یک بحران یا سیاست که از سوی یک کشور اتخاذ می‌شود منافع کشور اول را به همراه داشته باشد، می‌تواند در عین حال موجبات بی‌ثباتی و تهدید برای



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ترکیه در معادلات انرژی منطقه و حضور فعال ترکیه در مناقشه قره‌باغ شد که ضمن افزایش نفوذ و تقویت منافع منطقه‌ای آنکارا در ۲۰۲۲-۱۹۹۱ تأثیر مستقیم بر منافع و نفوذ منطقه‌ای آن داشت. هانتز و همکاران، (۲۰۲۱) در کتاب «ژئوپلیتیک جدید قفقاز جنوبی: چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای و حل تعارض» معتقد است تأثیرات رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر توسعه کشورهای قفقاز و چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای و حل مناقشه بررسی شده است. توماج، (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی» معتقد است که فروپاشی شوروی با دگرگونی روابط قدرت و موازنه نیروها در سطوح منطقه‌ای و فعال شدن قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای جهت حضور و نفوذ در حوزه جنوبی شوروی بود. با توجه به این مساله این سؤال را مطرح کرد که گفتمان مسلط سیاست خارجی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی کدام است؟ و به این نتیجه رسید که دو کشور به دلایل رقابت ایدئولوژیکی و تقابل نقش‌های ژئوپلیتیکی اهداف متعارضی در قفقاز جنوبی دنبال می‌کنند.

۲. مبانی نظری

ژئوپلیتیک اصطلاحی است که برای اشاره به رقابت قدرت‌ها و ابعاد جغرافیایی قدرت سیاسی به کار رفته است (دالبی، ۱۳۹۶: ۱۱۰۱). طبق تقسیم‌بندی آگینو و دالبی^۱، از زمان پیدایش دانش ژئوپلیتیک تا پایان جنگ جهانی دوم را می‌توان دوره ژئوپلیتیک داروینیستی نامید که جغرافیا متغیری مستقل در شکل‌دهی به سیاست کشورها بود. دهه ۱۹۸۰ م دوره شکوفایی ژئوپلیتیک نامیده شده و ژئوپلیتیک رفتاری، مارکسیستی، انتقادی و پست مدرن ظهور کرده است (میرحیدر و حمیدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۸-۹). در این بین، ژئوپلیتیک انتقادی نگرشی نوین به جغرافیای سیاسی است. نگرش انتقادی در ژئوپلیتیک ریشه در نهضت فراساختاری در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه دارد. مبدع این اصطلاح رودولف کیلن^۲ بود که ژئوپلیتیک را «نظریه حکومت به عنوان ارگانیسم جغرافیایی یا پدیده‌ای در فضا» توصیف کرد (پیشگاهی‌فرد و نورعلی، ۱۴۰۰: ۱۳۵۵). ژئوپلیتیک انتقادی به چگونگی کاربرد استعاره‌ها و تشبیه‌های جغرافیایی می‌پردازد و همچنین بر بعد تبلیغی ژئوپلیتیک در رسانه‌ها و برجسب‌های جغرافیایی به گفتمان رسمی و عمومی جامعه تأکید نموده و معتقد است. مهم‌ترین اثر در مورد ژئوپلیتیک انتقادی، کتاب

^۱. Dalby

^۲. Rudolf Killen



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



می‌داند: انحصاری بودن (تسلط قدرت مسلط بر قلمرو یا سرزمین)، مرز (واقعیت فیزیکی و مادی و تنظیم کننده روابط بین افراد و گروه‌های اجتماع)، پایداری ساخت‌های اجتماعی در فضا (به عنوان نقطه محوری برای روابط اجتماعی در زمان)، مجاورت فضایی (به معنای فضای تکوین‌بخش حس مجاورت بین مردم) و تحرک و پویایی در فضا (به عنوان نیروی وحدت‌بخش برای انسجام اجتماعی). برآیند این شاخص‌ها، نظریه تولید فضا است که به ایجاد فضای ما (خودی) در مقابل آنها (بیگانه) منجر می‌شود.

۳- هویت استعاره سوم ژئوپلیتیک انتقادی است. هویت امری ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه حاصل شرایط اجتماعی و کنش انسانی است. هویت دائم در حال ساخت است و در تعامل با واحدهای هم‌منوع و غیرهم‌منوع شکل می‌گیرد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۸۲-۵۸۳). هویت در واقع برساختی معرفتی را فراهم کرده است که در آن ایدئولوژی، جغرافیا و فرهنگ نقش اساسی دارند و افراد و گروه‌ها با توسل به این اجزا هویت می‌یابند.

تعارض منافع کشورها با یکدیگر گاه در سطح روابط دوجانبه و در ابعاد مختلف رخ می‌دهد و گاه نیز در یک منطقه خاص رخ می‌دهد. اصولاً مناطق جغرافیایی برای کشورها به واسطه تعلقات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ایدئولوژیک دارای اهمیت هستند و خود این اهمیت‌نگامی که دولت‌ها در تلاش برای کسب منافع بیشتر برمی‌آیند، به منافع متعارض منجر می‌شود. این منافع عمدتاً رقابت بیشتر دولت‌ها و یا در برخی مواقع منازعه آنها را به همراه دارد. منافع متعارض دولت‌ها هم در قالب نظریه‌های جریان اصلی که اغلب قدرت محور هستند و هم از منظر رویکردهای انتقادی قابل تبیین است. با این حال نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل عمدتاً تبیینی تک بعدی ارائه می‌دهند، حال آن که ژئوپلیتیک انتقادی به صورت جامع‌نگر به آن می‌پردازد. برای مثال منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی تنها از بعد مادی صرف برخوردار نیست، بلکه ابعاد هویتی و فضایی نیز برخوردار است. منافع متعارض ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی در چارچوب ژئوپلیتیک انتقادی از یک سو رفتارهای دو کشور برای کسب قدرت بیشتر را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر فضاهایی را که تهران و آنکارا سعی در ایفای نقش بیشتر در آنها دارند را شناسایی می‌کند و همچنین موضوع هویت را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر و تاثیرگذار بر منافع هر کشوری در این موضوع درگیر می‌کند و در نهایت تحلیلی جامع از موضوع ارائه می‌دهد.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



است اختلافات در منطقه و بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان کاهش یابد و کشورهای منطقه به سوی ثبات و افزایش ارتباطات مفید برای مردم منطقه حرکت کنند» (The Prime Minister of the Republic of Armenia, 26/05/2021). ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور سابق ایران در دیدار نیکول پاشینیان در آبان ۱۴۰۱ گفت: «منطقه قفقاز بخشی از تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران است و ما نسبت به منطقه قفقاز حساس هستیم؛ امنیت و صلح در قفقاز برای ایران بسیار اهمیت دارد».

این ذهنیت مقامات ایرانی در عین حال در حوزه عملی، سطوح مختلفی از تحلیل را برانگیخته است. در سطح اول ثبات در مواضع ایران نسبت به این منطقه دیده می‌شود. اصل ثابت دیپلماسی ایران در قفقاز جنوبی، حل مسائل منطقه به دست کشورهای آن است. در این جا می‌توان گفت که رویکرد منطقه‌محور ایران با رویکرد فرامنطقه‌محور کشورهایمانند آذربایجان و ترکیه در تعارض است. در نتیجه این تعارض شاهد جبهه‌بندی نوین در این منطقه بعد از جنگ سال ۲۰۲۰ م در قالب محور ایران - ارمنستان - روسیه در برابر محور ترکیه - آمریکا - آذربایجان هستیم (عباس‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۹).

سطح دوم تحلیل، رویکردهای سیاست خارجی ایران به این منطقه است. در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ رویکرد عمل‌گرا مبتنی بر تنش‌زدایی در سیاست‌های ایران در قفقاز جنوبی حاکم بود و به این منطقه به عنوان یک عرصه تمدنی-فرهنگی ایران نگریسته می‌شد. سیاست خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ بیشتر بر کنترل و مدیریت درگیری‌ها بین ارمنستان و آذربایجان در موضوع قره‌باغ متمرکز بود. این سیاست مستلزم تفاهم ایران، روسیه و کشورهای منطقه طبق تعاملات چندجانبه برای کاهش حضور و نفوذ آمریکا، اسرائیل و ترکیه بود. به عبارت دیگر، ایران در این دوره مسیر تقابل با غرب را در این منطقه در پیش گرفت. در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲ نگاه ایران به قفقاز جنوبی مبتنی بر واقع‌بینی و تعامل سازنده بود. این سیاست هم ایران را ملزم به مقابله با هژمونی و یکجانبه‌گرایی غرب می‌کرد و هم تنش‌زدایی و نزدیکی روابط با کشورهای این منطقه. این دیدگاه باعث شد تا رئیس‌جمهور روحانی در روابط با هم‌تایان ارمنی و آذری، دو کشور را به عنوان دو دوست معرفی کند (Azizi and Hamidfar, 2021: 170-178). در دولت ابراهیم رئیسی (۱۴۰۳-۱۴۰۰) منطقه قفقاز در قالب سیاست همسایگی مورد توجه گرفت و دیدارهای متعددی بین رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ایران و مقامات کشورهای قفقاز انجام شد. رئیس‌جمهور رئیسی در این باره معتقد بود: «سیاست همسایگی به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون‌منطقه‌ای و ممانعت از مداخله خارجی است. از قفقاز تا خلیج فارس، هر گونه حضور بیگانه، نه تنها بخشی از راه‌حل نیست، بلکه خود مشکل است. ما امنیت همسایگان را



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



این بین به دلیل اشغال قره‌باغ توسط ارمنستان، ترکیه روابط خود را با ایروان در سال ۱۹۹۳ م قطع کرد. روابط ترکیه با آذربایجان و گرجستان طی ۲۷ سال پس از استقلال آنها، افزایش یافته است. اما روابط ترکیه با آذربایجان و گرجستان در سطح همکاری راهبردی^۱ است و ترکیه به ویژه در کریدورهای انرژی این منطقه مانند خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیهان و خط لوله گاز طبیعی باکو - تفلیس - ارزروم، راه آهن باکو - تفلیس - قارس^۲ و خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی^۳ سهیم است (Turkey Ministry of Foreign affairs, 2024). پایان جنگ سرد فرصتی جهت بازاندیشی در ادراک و برداشت‌های ذهنی رهبران ترک را فراهم آورد تا با درک نوین از تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و با نگاه به تاریخ گذشته خود، به ترسیم اهداف و منافع جدید و ایفای نقش برتر در قفقاز جنوبی بپردازند. این تغییر نگرش با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به ویژه تحت تأثیر دکترین «عمق استراتژیک» احمد داووداوغلو شکل نوینی به خود گرفت (جانسیز و صالحیان، ۱۳۹۵: ۱۶۰). در این بین به نظر می‌رسد ایده‌های مقامات ترک همچون داووداوغلو وزیر خارجه سابق و اردوغان رئیس جمهور این کشور رفتار این کشور در قفقاز جنوبی را برساخته است.

۶۰

اردوغان در نوامبر ۲۰۲۱ م در نخستین سالگرد پیروزی نبرد قره‌باغ اظهار کرد: «آزادی قره‌باغ و اراضی آذربایجان مانند سرآغاز جدیدی برای منطقه قفقاز مهم است. خواستار آن هستیم که غنای اقتصادی منطقه قفقاز به عنوان پربرکت‌ترین منطقه جهان در مسیر افزایش رفاه آرامش ساکنان این منطقه استفاده شود. در نظام جدید جهانی اهمیت راهبردی قفقاز مضاعف خواهد شد. ما به عنوان ترکیه مصمم هستیم که برای روشن‌سازی آینده منطقه‌مان که با آن روابط تاریخی و فرهنگی داریم، به مسئولیت خود عمل کنیم» (Anadolu agency, 08/11/2021). اردوغان همچنین در ژوئن ۲۰۲۲ در تماس با نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان گفت: «عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه پیامدهای مهمی برای منطقه قفقاز جنوبی دارد. این موضوع چشم‌انداز ژئوپلیتیکی را تغییر داده و امیدواری برای حل و فصل درگیری‌های طولانی مدت در این منطقه، از جمله اختلاف ارمنستان و جمهوری آذربایجان ارائه می‌دهد».

ذهنیت مقامات در قفقاز جنوبی در قالب گزاره‌های «آزادی قره‌باغ»، «اقتصاد منطقه»، «نظام جدید جهانی»، «اهمیت راهبردی قفقاز»، «روابط تاریخی و فرهنگی»، «مسئولیت ترکیه» و «چشم‌انداز ژئوپلیتیکی» نشان می‌دهد که نگاه مقامات ترک به قفقاز از دریچه موازنه قوا، نقش منطقه‌ای ترکیه و تمرکز بر مسیرهای

۱. HLSC

۲. BTK

۳. TANAP



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، سیاست خارجی این کشور بر مبنای استراتژی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان تعریف شد و طبق دکترین احمد داووداوغلو مبنی بر عمق استراتژیک با تاکید بر ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ترکیه، توجه ویژه به این منطقه برای گسترش نفوذ در دستور کار قرار گرفت و از این رو، بهینه‌سازی روابط و مناسبات با سه دولت منطقه از اولویت‌های مهم آنکارا بوده است. این دستاوردهای مناسب در عرصه داخلی و خارجی و کسب همراهی افکار عمومی و نظر مساعد غرب، سبب شد که ترکیه نمایش قدرت خود را به کشورهای قفقاز با هدف افزایش قدرت، تغییر وضع موجود و تبدیل به ابرقدرت منطقه‌ای تسری دهد (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰-۱۱).

ایران نیز بر مبنای اسناد فرادستی خود از جمله سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ سودای قدرت برتر در این منطقه را داشته است. اما می‌توان گفت الهام‌بخشی ایران بر مبنای سلطه اقتداری است نه اجباری. منظور اعمال سلطه از طریق ایجاد نظم و ثبات از طریق هدایت افکار عمومی و جلب آنها می‌باشد و نه سلطه اجباری و کاربرد قدرت. این رویکرد به تنش‌زدایی در منطقه قفقاز کمک کرده و به دنبال تأمین منافع در حیطه توان بازیگر و چانه‌زنی با هزینه بالا بوده است (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۷۵). به رغم این در این منطقه هر گونه تلاش برای رسیدن به موقعیت برتر می‌تواند به چالشی امنیتی - اقتصادی برای سایر بازیگران تبدیل شود.

موضع اصولی ایران در این منطقه در راستای حقوق بین‌الملل و حفظ تمامیت ارضی کشورها است. در همین راستا ایران در جنگ سال ۲۰۲۰ برای حفظ توازن و از دست ندادن جایگاه خود، حق باکو را برای بازپس‌گیری سرزمین‌های خود به رسمیت شناخت. رهبر انقلاب اسلامی در ۱۳ آبان ۱۳۹۹ گفت: «همه سرزمین‌های جمهوری آذربایجان که ارمنستان تصرف کرده، باید آزاد و به جمهوری آذربایجان برگردانده شود» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۰۸/۱۳۹۹). ترکیه شکل‌گیری حوزه نفوذ ایران علاوه بر غرب آسیا در قفقاز را به معنای ترجمان گفتمانی می‌داند که با تخریب چارچوب‌ها و سازه‌های سیاسی و ایدئولوژیک حاکم بر نظم پیشین، منجر به استقرار نظمی نو بر مبنای سازه‌های ایدئولوژیک و سیاسی جدید می‌شود. در نتیجه این امر ممکن است تا موازنه کلاسیک در این منطقه به سمت موازنه‌ای جدید با محوریت فرهنگ تشیع و به سود ایران تغییر یابد. این در حالی است که ترکیه که سودای رهبری منطقه‌ای را در سر داشت، وجود ایران را در تعارض با اصول ارزشی و ایدئولوژیک خود می‌دید و آن را مانعی برای حاکم کردن معیارها و موازین و الگوی حکومتی خود و حصول به اهداف می‌پندارد (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). رقابت ایران و ترکیه در گسترش نفوذ چند بعد اساسی دارد. یک



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خود را بر مبنای سیاست همسایگی و نگاه به شرق و در عین حال مشارکت امنیتی محدود با ارمنستان قرار داده است. به ویژه این که ارمنستان برای واردات تسلیحات از هند به ایران نیاز مبرم دارد. از آنجا که ایران آذربایجان را به دلیل تسهیل اقدامات مخفی اسرائیل به عنوان یک خطر امنیتی می‌بیند، همکاری نظامی نزدیک‌تر تهران با ارمنستان امکان ایجاد بازدارندگی را فراهم می‌کند؛ اما همچنین می‌تواند خطر اصطکاک با ترکیه را نیز در پی داشته باشد (Roubanis, 2024: 2).

از سوی دیگر آشکارترین شکل تقابل ایران و ترکیه در حوزه اقتصادی نمود یافته است. ایران و ترکیه در دو دهه اخیر رقابت محسوسی را در زمینه خطوط انتقال نفت و گاز، مبادلات تجاری، سرمایه‌گذاری، بازار مصرف انرژی و عبور کریدورها از این منطقه دارند (فلاح‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲). ترکیه امیدوار بود با احداث کریدور زنگزور در مرز ایران و ارمنستان در استان سیونیک، نقش آذربایجان در پازل منطقه‌ای آنکارا به اوج برسد. از سوی دیگر آذربایجان نیز امیدوار بود با احداث این کریدور، ارتباط زمینی بین نخجوان و بقیه خاک آذربایجان و اتصال آن به ترکیه انجام شود؛ اما مخالفت ایران این طرح را ناکام گذاشت (Gorecki and Strachota, 2021: 11). مخالفت ایران با این کریدور بر مبنای هراس ایران از کاهش نقش این کشور در اتصالات منطقه‌ای بود. ایران معبر اتصال آذربایجان به نخجوان است؛ اما در صورت احداث این کریدور تهران نقش خود در برقراری این ارتباط را از دست می‌داد. در صورت احداث این کریدور علاوه بر این که نقش ایران در ارتباط ترکیه و آسیای مرکزی از بین می‌رفت، ایران ارمنستان را نیز که زمینه اتصال تهران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا بود را نیز از دست می‌داد.

۲-۵. استعاره فضا

مساله فضا یکی از عناصر بنیادین ژئوپلیتیک انتقادی است که در پیوند با زمان، قدرت، سیاست یا ایدئولوژی بازیگران سیاسی دچار تغییر می‌شود. فضا به این دلیل اهمیت دارد که ایجاد یک فضای گفتگومانی نیاز به بازیگر رسمی و دولتی، مرز و جغرافیا ندارد، بلکه عوامل نرم‌افزاری نیز می‌تواند فضای مشترک بین‌الذهانی را محقق سازد. استعاره فضا در تعارض منافع ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی با پدیده قومیت ترک مرتبط است. ترکیه با وجود رقابت‌های منطقه‌ای با ایران، اما هیچ‌گاه از جانب این کشور نگرانی نسبت به فضای جغرافیایی خود ندارد. در درجه بعدی و متناسب با مفهوم هرمنوتیک فضایی اتوتایل، مقامات ترکیه آذری‌های ساکن ایران و قفقاز را واجد پتانسیل ایدئولوژی و موقعیت زمانی برای گسترش نفوذ آنکارا در منطقه می‌پندارند (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳). لذا ترکیه سیاست‌های مبتنی بر پان‌ترکیسم در درون مرزهای ایران را به عنوان فرصت می‌نگرد. در سوی دیگر، ترکیه نیز



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



از تو جدا نمی‌شد، ما را به زور جدا کردند» این شعر در حوزه ادبیات تجزیه‌طلبانه قلمداد می‌شود. قرائت این شعر، حاکی از خوی توسعه‌طلبانه ترکیه نسبت به ایران بود (Motamedi, 2020: 5-4). جواد ظریف وزیر خارجه ایران در توییتی در واکنش به این شعر نوشت: «به اردوغان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خواند مربوط به جدایی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادریشان ایران است! آیا او نفهمید که علیه حاکمیت جمهوری آذربایجان سخن گفته است؟ هیچ کس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.» محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در توییت نوشت: «اگر اردوغان از خواندن شعر ارس منظورش ایران بزرگ است، درست است. زیرا آذربایجان در قلب ملت ایران و در کنار برادران دیگرش از قوم، لر و کرد و بلوچ و عرب قرار دارد. اگر نظرش تکرار تجربه شکست خورده داعش در سوریه است، حرف غلطی است.»

جمهوری اسلامی نیز به مثابه یک واحد سیاسی - فضایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قلمرو ایران حاکم شد، هم راستا با گزاره‌های هستی‌شناختی اسلام سیاسی، اقدام به بازتعریف و بازآرایی سیاست خارجی خود کرد (اسمعیلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). استعاره فضا در مورد ایران از ماهیت انتقادی و اعتراضی تشیع است. گفتمان‌هایی نظیر عدالت، صلح و برابری از جمله رویش‌های گفتمانی انقلاب اسلامی است که عنصر فضا را تحقق بخشیده است. در قالب استعاره فضا گفتمان‌های نه شرقی نه غربی، گفتمان امت واحده اسلامی از دو جهت در تعارض با منافع ترکیه قرار دارند. نخست این که معطوف به گفتمان اصیل اسلامی بوده و فارغ از ملاحظات مذهبی است و دوم این که هر کشور، گروه و یا بازیگران غیررسمی می‌تواند ذیل تعریف گفتمان محوریت امت واحده اسلامی قرار بگیرد (جعفری‌پناه و ناایج، ۱۴۰۲: ۳۷-۳۸).

اگر استعاره فضا در ژئوپلیتیک انتقادی نقش عناصر گفتمانی در ادامه گسترش فضایی کشور در ادراک دولت یا بازیگر مقابل در نظر بگیریم، باید گفت که ترکیه وجود مردم و گروه‌های مختلف شیعی در کشورهای قفقاز جنوبی را به نوعی گسترش فضایی این کشور در این منطقه محسوب می‌کند. در بین کشورهای قفقاز، آذربایجان بیشترین جمعیت شیعی را دارد و جریان‌های شیعی آن مستقیماً از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند. از جمله حزب اسلامی آذربایجان و جنبش حسین‌یون طرفدار اصلی اجرای الگوی نظام سیاسی و دینی ایران است. نوع روابط ایران با این جریان‌ها کارکرد دوگانه دارد: حمایت ایران هم باعث تقویت آنها شده و هم آنها را بیش‌تر زیر فشار حاکمیت و افکار عمومی به عنوان جریان‌های غیربومی قرار داده است. ترکیه نیز برای تغییر فضا در این منطقه در مقابل ایران ابزارهایی را



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جنوبی دنبال می‌کند (فلاحیت پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱). مهم‌ترین ابزار هویتی ترکیه، ایدئولوژی پان‌ترکیسم است. این ایدئولوژی به مثابه نوعی ملی‌گرایی از سال ۲۰۰۲ نقش چشم‌گیری در سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز داشته است. پان‌ترکیسم در واقع انگاره‌های رمانتیک مطرح در مورد سابقه تاریخی ترک‌ها و امپراتوری بزرگ و اسطوره‌های آنهاست که ابزارهایی را برای روشنفکران ترک‌زبان برای ایجاد پایه‌های حرکتی فرهنگی و سیاسی فراهم کرده است. مهم‌ترین ویژگی‌های پان‌ترکیسم عبارتند از: ابراز باور به وحدت مجموعه اقوام ترک‌زبان و ضرورت وحدت فرهنگی و سیاسی آنها، تاکید بر ایجاد زبان ترکی معیار به عنوان مبنای وحدت، رویکرد رمانتیک به تاریخ و تمدن ترک‌ها و ضرورت احیای آن و تلاش برای تجزیه مناطق ترک‌نشین کشورهای همسایه با هدف تحقق توران بزرگ. با در کنار هم قرار دادن این ویژگی‌ها، پان‌ترک‌گرایی به نمونه‌ای ایده‌آل از پدیده ملی‌گرایی رمانتیک تبدیل می‌شود که در مقابل ملی‌گرایی دموکراتیک به واسطه پایه‌های نژادی و قوم‌گرایانه خود، منبع خشونت سازمان‌یافته علیه اقوام و هویت‌های دیگر می‌شود (کولایی و نظامی‌پور، ۱۳۹۸: ۴۶۳-۴۶۲). پان‌ترک‌گرایی به عنوان اولویت سیاستی ترکیه در قفقاز در همگرایی با آذربایجان قرار دارد. پیوندهای قومی، فرهنگی و تاریخی، نمایی مشترک بین ترکیه و آذربایجان شکل داده‌اند. حیدر علی‌اف رئیس‌جمهور سابق آذربایجان برای تعریف روابط با ترکیه، عبارت «یک ملت دو کشور» را به کار برد. هسته مرکزی این روابط پیوندهای قومی و زبانی ترکی-آذری است که فهم مشترکی از یک ملت را پدید آورده است. تمرکز بر هویت قومی ترک-آذری برای جلوگیری از نفوذ مذهبی ایران در جامعه شیعیان آذربایجان و ایجاد خط ژئوپلیتیک و جغرافیای زبانی-قومی برای ترک‌تباران برای ترکیه بسیار مهم است (کاکایی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

مناطق جغرافیایی در دهه‌های اخیر به ویژه پس از جنگ سرد از حوزه‌های مهم رقابتی بین کشورها بوده است. بخش عمده‌ای از این رقابت ناشی از منافع متعارضی است که کشورها دارند. قفقاز جنوبی از مهم‌ترین مناطقی است که ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه‌ای در آن دارای منافع متعارض هستند. این منافع متعارض در چارچوب‌های مختلف قابل بررسی است. هدف اصلی در این پژوهش، تبیین منافع متعارض بین ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از منظر ژئوپلیتیک انتقادی است. قفقاز جنوبی در گفتمان‌سازی و ذهنیت مقامات ایران و ترکیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اذهان مقامات ایرانی از جمله آیت‌اله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی قفقاز جنوبی، محیط سیاسی و امنیتی فوری ایران است.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



افضلی، رسول و همکاران، (۱۳۹۳)، «قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم، زمستان.

افضلی، رسول و همکاران، (۱۳۹۴)، «عناصر و مولفه‌های قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره سوم، پاییز.

پوراحمدی، حسین و پدین، محمد، (۱۳۹۹)، «عوامل تاثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۱، شماره سوم، بهار.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و نورعلی، حسن، (۱۴۰۰)، «بررسی نظریه‌های مورد غفلت قرار گرفته در ادبیات ژئوپلیتیک ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۳، شماره چهارم، زمستان.

توماج، امیرشیر و همکاران، (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، بهار.

جانسیز، احمد و صالحیان، تاج‌الدین، (۱۳۹۵)، «نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ششم، شماره ۱۹، بهار.

جعفری‌پناه، مهدی و نائیج، علیرضا، (۱۴۰۲)، «ژئوپلیتیک انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۷۲، بهار.

جوادی ارجمند، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره اول.

حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: نشر پاپلی

حکیم، حمید، (۱۳۹۶)، ژئوپلیتیک قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر خرسندی

دالبی، سایمون، (۱۳۹۶)، «ژئوپلیتیک انتقادی و امنیت»، در پیتر برجس، بررسی‌های جدید امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر امیرکبیر

درج، حمید، (۱۴۰۲)، «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر قلمروی نفوذ این کشور در منطقه»، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال ۲۱، شماره سوم، پاییز.

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۹/۰۸/۱۳)، «راه‌حل پایان مناقشه قره‌باغ»، قابل دسترسی در لینک زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=46775>

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، (۱۴۰۱/۰۹/۰۵)، «بیانات در دیدار بسیجیان»، قابل دسترسی در لینک زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51418>

ساداتی شیاده، مهرانه، (۱۴۰۱)، مولفه‌های نظم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی زاهد غفاری هاشجین، تهران: دانشگاه شاهد.

صادقی اول، هادی و همکاران، (۱۳۹۸)، «ژئوپلیتیک انتقادی و تحلیل رویکرد ترکیه در قبال داعش»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هشتم، شماره اول، بهار.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



President of republic of Azerbaijan Ilham Aliyev, (2022), Speech by Ilham Aliyev at the 9th summit of organization of Turkic States, available at: <https://president.az/en/articles/view/57856>.

Roubanis, Ilya, (2024), how Syria, ukraine and gaza are transformaing power dynamics in the Caucasus, available at: https://www.clingendael.org/sites/default/files/2024-02/PB_Power_dynamics_in_the_Caucasus.

Scotti, Simona, (2023), Türkiye's Evolving South Caucasus Policy under Re-Elected Erdoğan, available at: <https://www.commonspace.eu/opinion/turkiyes-evolving-south-caucasus-policy-under-re-elected-erdogan>

Turkey Ministry of Foreign Affairs, (2024), Economic Relations between Türkiye and Georgia, available at: <https://www.mfa.gov.tr/economic-relations-between-turkiye-and-georgia.en.mfa>.

